



Golestan University

Journal of Literary and Social Research

Volume 4(3), Autumn 2025



A Socio-Semiotic Study of Safwat al-Safa by Ibn Bazzaz Ardabili Based on Pierre Guiraud's Theoretical Framework

Nima Eghbal Saeidi^{1*}

¹ PhD student in Persian language and literature, Faculty of Literature and Humanities, Shahrekord University. Shahrekord, Iran, Email: eghbal.nima@yahoo.com

Article Info

Article type:
Research Full Paper

Article history:

Received: 2025-07-23
Accepted: 2025-09-28

Keywords:

Semiotics
Social Sings
Safwat al-Safa
Pierre Guiraud

ABSTRACT

Social semiotics is a critical and analytical approach that examines socio-cultural signs within literary texts. It re-reads the process of meaning production by investigating textual signs and social implications. Analysis of signs and their semantic relations in the text's ideological system and its impact on the meaning production are within the domain of semiotics. Pierre Guiraud, a French linguist and semiotician, contributed significantly to this area by classifying social and cultural signs involved in the process of textual meaning-making. Safwat al-Safa by Ibn Bazzaz Ardabili is one of the most significant biographical texts on Sufi sheikhs in 8th-century AH Persian Sufi literature. It narrates the spiritual and social life of Sheikh Safi al-Din Ardabili, along with that of his teachers and disciples. Through these accounts, Ibn Bazzaz presents a vivid portrayal of the social context of Sheikh Safi's era, offering valuable insights into both the Sufi path and the socio-cultural conditions of the time. Using the descriptive-cum-analytical method and drawing on Guiraud's foundational theories, the article reexamines the socio-cultural semiotic system within the text. The results revealed that identity-related signs, such as titles, locations, social classes, and professions, as well as communicative signs like speech tone, nonverbal cues, and behavioral patterns, eventually led to the meaning production.

Cite this article Eghbal Saeidi, N. (2025). A Socio-Semiotic Study of Safwat al-Safa by Ibn Bazzaz Ardabili Based on Pierre Guiraud's Theoretical Framework. *Journal of Literary and Social Research*, 4(3), 35-50.



©The author(s)

Publisher: Golestan University

Doi: 10.30488/sipl.2025.536783.1101



نشانه‌شناسی اجتماعی صفوه الصفا نوشته ابن بزاز اردبیلی
بر اساس نظریه پی‌یر گیرو

نیما اقبال سعیدی^{*۱}

^۱ دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهرکرد، شهرکرد، ایران، رایانامه: eghbal.nima@yahoo.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله کامل علمی	نشانه‌شناسی اجتماعی رویکردی انتقادی و تحلیلی است که به بررسی نشانه‌های اجتماعی و فرهنگی در درون متون ادبی می‌پردازد و فرایند تولید معنا از طریق این نشانه‌ها و دلالت‌های اجتماعی درون متن را بازخوانی می‌کند. بررسی و تحلیل نشانه‌ها و ارتباط معنایی آن‌ها در نظام اندیشگانی یک متن و تأثیر آن‌ها بر تولید معنا در حوزه مطالعات نشانه‌شناسی اجتماعی قرار می‌گیرد. پی‌یر گیرو زبان‌شناس و نشانه‌شناس فرانسوی از جمله کسانی بود که به بررسی و تحلیل نظام نشانه‌ای اجتماعی و فرهنگی در فرایند تولید معنا در متن پرداخت و این نشانه‌ها را طبقه‌بندی کرد. صفوه الصفا نوشته ابن بزاز اردبیلی از مهم‌ترین متون تراجم احوال مشایخ صوفیه در ادبیات صوفیه در قرن هشتم هجری است که به بررسی حیات صوفیانه و اجتماعی شیخ صفی‌الدین اردبیلی و استادان و شاگردان او می‌پردازد. ابن بزاز در ضمن بیان احوال شیخ صفی‌الدین اردبیلی، تصویر قابل تأمل و روشنی از اوضاع اجتماعی زمانه شیخ صفی ارائه می‌دهد که باعث شناخت غنی‌تر دوران حیات او از منظر طریقت صوفیه و اوضاع اجتماعی می‌شود. در این مقاله با بررسی تحلیلی و توصیفی نشانه‌های اجتماعی صفوه الصفا بر اساس نظریات بنیادین پی‌یر گیرو، نظام نشانه‌ای مبتنی بر جامعه و فرهنگ در زمانه اثر بازشناسی شد و نتایج حاصل بیانگر نشانه‌های هویتی چون عناوین و القاب، مکان‌ها، طبقات اجتماعی و مشاغل مردمان و نیز نشانه‌های ارتباطی مثل لحن مختلف کلام، ارتباطات غیر کلامی، اطوار و حالات مردمان این دوره است که در نهایت منجر به تولید معنای اثر نیز شد.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۵/۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۷/۷	
واژه‌های کلیدی: نشانه‌شناسی نشانه‌های اجتماعی صفوه الصفا پی‌یر گیرو	

استناد: اقبال سعیدی، نیما. (۱۴۰۴). نشانه‌شناسی اجتماعی صفوه الصفا نوشته ابن بزاز اردبیلی بر اساس نظریه پی‌یر گیرو. فصلنامه علمی پژوهش‌های ادبی و اجتماعی، ۴(۳)، ۵۰-۳۵.



مقدمه

نشانه‌شناسی دانش بررسی و تحلیل نظام‌های هدفمند نشانه‌ای و دلالت‌مند است که نقش مهمی در تولید معنا ایفا می‌کند. مجموعه نظام‌های دلالت‌مند در کنار یکدیگر زمینه‌ساز خلق و دریافت صحیح معنای یک متن می‌شود. اگرچه در مجموعه نظام‌های نشانه‌ای، زبان و رمزگان زبانی مهم‌ترین نظام دلالت‌مندی است، عوامل و نشانه‌های دیگری مثل اصوات، رفتارها و اشیاء نیز می‌توانند نقش نشانه‌ای ایفا کنند. «به بیان دیگر هر عامل دلالت‌مند و ارجاع دهنده به چیزی غیر از خود در حکم نشانه تلقی می‌شود» (چندلر، ۱۳۸۷: ۴۱). از دید پی‌یر گیرو، نشانه‌شناس و زبان‌شناس فرانسوی، «نشانه‌شناسی به دانش مطالعه و بررسی نظام‌های نشانه‌های گوناگون مثل زبان‌ها و نظام‌های دلالتی و علامتی اطلاق می‌شود» (گیرو، ۱۳۹۹: ۹). یکی از حوزه‌های مطالعات نشانه‌شناسی، بررسی و تحلیل نظام‌های نشانه‌ای مبتنی بر جامعه و فرهنگ است که در فرایندها و ارتباطات اجتماعی موثر هستند. «در مطالعات نشانه‌شناسی اجتماعی، فرد با هویت اجتماعی خود و با استفاده از منابع فرهنگی که مبنای اجتماعی دارند، حضور و نقش فعالی در نشانه‌شناسی ایفا می‌کند» (کرس، ۱۳۹۲: ۶۵). نشانه‌های اجتماعی مجموعه‌ای از رمزگان‌ها و دلالت‌هایی هستند که زمینه‌ساز شناخت فرد و محیط اجتماعی می‌شود و بر مبنای این نظام‌های نشانه‌ای، شناخت عمیق‌تر و غنی‌تری از هویت افراد، هویت اجتماعی، ارتباطات و اجتماعات حاصل می‌شود. در حوزه مطالعات ادبی، بررسی و تحلیل نظام نشانه‌های اجتماعی موجود در یک متن باعث آگاهی اجتماعی و فرهنگی از معنای متن و فرایند تولید معنای آن خواهد شد. صفوه الصفا از مهم‌ترین متون تراجم احوال ادبیات صوفیانه است که در قرن هشتم هجری توسط ابن بزاز اردبیلی تألیف شد. صفوه الصفا شامل دیباچه و مقدمه‌ای در دو بخش است که به اخبار نبوی و اولیاءالله درباره ظهور شیخ صفی‌الدین اردبیلی، عارف و صوفی طریقت صفویه در قرن‌های هفتم و هشتم هجری می‌پردازد. صفوه الصفا دوازده باب دارد که هر باب از چند فصل تشکیل می‌شود. مؤلف در هر باب، احوال عرفانی و اجتماعی شیخ صفی‌الدین اردبیلی، استادان و شاگردان او را به تصویر می‌کشد. «این کتاب به تشویق پسر شیخ صفی، شیخ صدرالدین، تألیف شد که بعد از پدر به مقام ارشاد طریقت رسید» (براون، ۱۳۴۵: ۴۲). از نظر جایگاه اثر در مجموعه تذکره‌های عرفانی، «صفوه الصفا در ردیف اسرار التوحید، مناقب العارفین و رساله فریدون سپهسالار قرار می‌گیرد» (ابن بزاز، ۱۳۷۳: ۱). مایبل هروی درباره اهمیت صفوه الصفا می‌نویسد:

«اثر مذکور مأخذ بیشترین مورخان دوره صفوی بود. اسکندربیک منشی در عالم‌آرای عباسی، واله داغستانی در خلد برین، روملو در احسن التواریخ، جنابدی در روضه الصفویه، منشی قزوینی در جواهر الاخبار، احمد قمی در خلاصه التواریخ، استرآبادی در تاریخ سلطانی و نیز تمامی تاریخ متصوفه در قرون هشت و نه هجری بر اساس صفوه الصفا بازگویی کردند» (مایبل هروی، ۱۳۷۶: ۳۳). صفوه الصفا با نام اصلی المواهب السنیه فی المناقب الصفویه، کتابی است در بیان احوال و کرامات شیخ صفی‌الدین اردبیلی که ضمن معرفی این شخصیت، اوضاع و احوال اجتماعی عصر شیخ صفی یعنی سده هفتم و هشتم هجری را بازنمایی می‌کند. «اهمیت این اثر از یک سو در ارائه آگاهی‌ها درباره اوضاع اجتماعی و سیاسی آذربایجان در سده هشتم هجری است که شامل عقاید، معیشت‌ها، مشاغل رایج و آداب و رسوم توده مردم می‌شود. از سویی دیگر صفوه الصفا، قدیمی‌ترین و با اعتبارترین مرجع در احوال و اقوال شیخ صفی است که ضمن آن، حقایق تاریخی و کرامت‌تراشی‌های مریدانه با یکدیگر آمیخته شده است» (موحد، ۱۳۹۱: ۴۱۹). جایگاه و نقش شیخ صفی و تالیان او در شکل‌گیری نهضت اجتماعی و سیاسی عرفان، در گستره تاریخ اجتماعی ایران قابل تأمل و توجه است. «نفوذ گسترده شیخ صفی که نتیجه رویکرد اجتماعی او و ارتباطات منسجم و قوی با توده مردم بود، به جریان‌ات اجتماعی عرفانی شکل ویژه بخشید. از سویی تأملات عرفانی او در تبیین پیچیدگی‌های عرفانی، بر جاذبه شخصیتی شیخ صفی افزود» (بخاری قمی، ۱۳۹۳: ۵۶).

مطالعه و شناخت فضای اجتماعی و هویتی مشایخ صوفیه در متون ادبی یکی از مسائل بنیادین در تحقیقات متن پژوهی صوفیان است. در کنار کنشگری عرفانی، نشانه‌های هویتی و شیوه ارتباط مشایخ صوفیه در متون تراجم احوال

ضمن ارائه تصویری گویا از شخصیت مشایخ صوفیه باعث افزایش اطلاعات و غنی‌تر شدن جامعه‌شناسی متون ادبی خواهد شد. صفوه/الصفاء به عنوان یکی از مهم‌ترین متون تذکره‌ای در ادبیات صوفیانه، ضمن معرفی و آگاهی بخشی درباره شیخ صفی الدین اردبیلی که هم به عنوان شخصیتی عرفانی در صدر طریقت صفویه جایگاه ویژه‌ای دارد و هم آغازگر جریانی از طریقت است که قرن‌ها بعد منجر به شکل‌گیری یکی از مهم‌ترین حکومت‌های سیاسی و دینی تاریخ ایران شد، تصویری قابل تأمل و روشن از سطوح اجتماعی زمانه شیخ صفی‌الدین اردبیلی ارائه می‌دهد. بررسی نشانه‌های اجتماعی معناساز در این اثر می‌تواند دانش حاصل از عرفان‌پژوهی و جامعه‌شناسی دوره حیات شیخ صفی‌الدین اردبیلی را غنا بخشد.

اهداف پژوهش

در این مقاله تلاش می‌شود تا با بررسی نظام نشانه‌های اجتماعی و فرهنگی در سطح هویت و ارتباط در فرایند تولید معنای صفوه/الصفاء به این پرسش‌ها پاسخ داده شود:

۱. مهم‌ترین و بارزترین نشانه‌های اجتماعی در صفوه/الصفای ابن بزاز اردبیلی کدام‌اند؟
۲. نظام نشانه‌های اجتماعی در صفوه/الصفاء با کدام دلالت‌های معنایی در متن نقش آفرینی دارند؟

پیشینه پژوهش

پیشینه‌های پژوهش مد نظر این مقاله در دو دسته تقسیم می‌شوند. دسته نخست پژوهش‌های صورت گرفته درباره نشانه‌شناسی اجتماعی متون ادبی است. دسته دوم مقالاتی است که درباره صفوه/الصفای ابن بزاز اردبیلی نوشته شدند. اثر ابن بزاز تاکنون در محدوده مطالعات و تحقیقات دانشگاهی، حضوری چشمگیر نداشته است و تحقیق پیرامون ابعاد این متن مغفول مانده است. اسداللهی و کریمی در مقاله رابطه بینامتنی مضامین صفوه/الصفاء و اسرارالتوحید (براساس نظریه ژرار ژنت) (۱۴۰۲) عقاید، اندیشه‌ها و کرامات شیخ صفی در صفوه/الصفاء را با عقاید و کرامات ابوسعید ابوالخیر در اسرارالتوحید مقایسه و تشابهات میان آن‌ها را بر اساس روابط بینامتنی بررسی کرده‌اند. عموری و خلیلی در مقاله نشانه‌شناسی اجتماعی مقامات حریری با تکیه بر نظریه پی‌یر گیرو (۱۳۹۹) نشانه‌های اجتماعی معطوف به هویت و معاشرت شخصیت‌های مقامات حریری را بر اساس نظریه نشانه‌شناسی پی‌یر گیرو بررسی و تحلیل می‌کنند و در نهایت بازتابی از فرهنگ و جامعه را مبتنی بر آرای گیرو در متن مقامات حریری ارائه می‌دهند. نقابی و اکبری در مقاله تحلیل اجتماعی-فرهنگی سفرنامه حاج سیاح بر پایه نظریه نشانه‌شناسی اجتماعی پی‌یر گیرو (۱۳۹۹) زوایای پنهان هویت فرهنگی و اجتماعی مردم را در سفرنامه حاج سیاح کشف می‌کنند و نشان می‌دهند مسائل و اعتقادات دینی، به مثابه یکی از نشانه‌های هویت، مهم‌ترین دغدغه نویسنده است که در فرایند تولید معنای متن نقش اصلی ایفا می‌کند. نظری، خلیلی و باوان‌پوری در مقاله بررسی فرآیند نشانه‌شناسی اجتماعی در آموزه‌های علوی با تکیه بر نهج‌البلاغه با تکیه بر هویت و آداب معاشرت (۱۳۹۸) نشان می‌دهند که شاخصه‌های هویتی و ارتباطی بسیاری مثل اطوار، حالات، القاب، جامه‌ها و ... در متن نهج‌البلاغه و اندیشه‌های حضرت علی (ع) جایگاه ویژه‌ای دارند که نشان از توجه به اوضاع فرهنگی و اجتماعی عصر امام است. فرخی و خسروبیگی در مقاله بررسی پدیده راهزنی در سده هشتم هجری با تأکید بر روایات صفوه/الصفاء (۱۳۹۴) یکی از مسائل اجتماعی قرن هشتم را با رویکردی جامعه‌شناسانه در متن صفوه/الصفاء مورد بررسی و تحلیل قرار می‌دهند. در این مقاله، گزارش‌ها و اطلاعات کتاب در حوزه مطالعات اجتماعی قرن هشتم مورد توجه قرار می‌گیرد لیکن خلأ بحث نشانه‌شناسانه در این پژوهش دیده می‌شود.

نشانه‌شناسی و نشانه‌شناسی اجتماعی

جهان سرشار از نشانه‌هاست و انسان در طی مسیر حیات خود به مناسبت‌های گوناگون در حال خلق نشانه‌هاست. نظام نشانه‌ها به انسان در درک، دریافت و تفسیر معنا کمک می‌کند. معنا نه امری ایستا بلکه امری پویا و بافت محور است که از مجموعه نظام‌های نشانه‌ای دلالت‌مند و رمزگان‌های معنا ساز خلق می‌شود. رولان بارت «نشانه را هرگونه نمادی می‌پندارد که مرتبط با اطلاعات، افکار و احساسات انسان است» (بارت، ۱۳۸۳: ۳۰۰-۲۹۹). زبان، نشانه‌های فرهنگی، قراردادهای تجاری، علائم هدایتگر و... بخشی از نظام نشانه‌ای جهان انسان را خلق می‌کنند. مطالعه و بررسی این نظام‌های نشانه‌ای در حوزه مطالعات نشانه‌شناسی صورت می‌گیرد. به طور کلی «دانش مطالعه هدفمند و نظام‌مند عوامل موثر در تولید و تفسیر معنا و فرایند دلالت‌مندی، نشانه‌شناسی نامیده می‌شود» (مکاریک، ۱۳۸۴: ۳۲۶). از دید پی‌یر گیرو، نشانه‌شناسی علم بررسی همه پدیدارهای فرهنگی است که جزئی از مجموعه‌های نشانه‌شناسی قلمداد می‌شوند. او بر این باور است که «گستره نشانه‌شناسی به همه انواع ارتباطی نفوذ دارد و هر چیزی که به دیگری دلالت کند در محدوده نشانه‌شناسی قرار می‌گیرد» (احمدی، ۱۳۸۳: ۷).

در مطالعات نشانه‌شناسی، اتحاد میان نشانه (دال) و معنای نشانه (مدلول) مهم‌ترین وجه تحقیقی را دارد. در این عبارت «دال صورتی است که یک نشانه دارد و مدلول معنایی است که نشانه به آن دلالت می‌کند» (ضمیران، ۱۳۸۲: ۴۰-۴۱). فردینان دو سوسور ساختار نظام دانش نشانه‌شناسی را این گونه معرفی می‌کند:

«زبان دستگاهی است متشکل از نشانه‌ها که افکار را نمایش می‌دهند به همین دلیل با خط، الفبای ناشنویان و نایب‌نایان، آیین‌های نمادین، علائم نظامی و... مشابهت دارد. در میان مجموعه این نشانه‌ها، زبان مهم‌ترین است. به این ترتیب نشانه‌شناسی دانشی است که به بررسی نقش نشانه‌ها در زندگی جامعه می‌پردازد. این دانش مشخص می‌کند که نظام نشانه‌ها از چه چیزی ساخته شدند و چه قوانینی بر آن‌ها حاکم است» (سوسور، ۱۳۷۸: ۲۴-۲۳).

معنا پذیری نشانه‌ها به دستگاه رمزگان درون آن نشانه وابسته است و هر نشانه از طریق این دستگاه رمزگانی درون نظام نشانه‌ای معنا می‌گیرد. رمزگان‌ها در حقیقت پل ارتباطی میان فرستنده پیام و گیرنده پیام هستند. اگر رمزگان‌ها نباشند و قدرت ارتباطی پیدا نکنند، معنای نظام نشانه‌ای با اخلاص روبه‌رو خواهد شد. رمزگان‌ها در سه دسته کلی تقسیم می‌شوند:

۱. رمزگان‌های منطقی که بر مبنای آن تجربه عینی انسان و ارتباط انسان با جهان پیرامون بازخوانی می‌شود.
۲. رمزگان‌های زیباشناختی که بر اساس آن تجربه زیباشناسانه انسان شامل احساسات درونی نشان داده می‌شوند.
۳. رمزگان‌های اجتماعی که تبیین‌کننده انسان‌ها، گروه‌ها و روابط انسانی است» (گیرو، ۱۳۹۹: ۱۱۴-۷۲).

بر این اساس یکی از شعبه اصلی دانش نشانه‌شناسی، نشانه‌شناسی اجتماعی (Social semiotics) است که «به مطالعه و بررسی زندگی نشانه‌ها در اجتماعات می‌پردازد» (اسکولز، ۱۳۸۳: ۳۵). در مطالعات نشانه‌های اجتماعی و نشانه‌شناسی اجتماعی، نمادها و دال‌های اجتماعی و فرهنگی مورد بررسی قرار می‌گیرند و شیوه دلالت‌مندی و تأثیرگذاری بر کنش‌ها، طبقات و ساختارهای اجتماعی بازشناسی می‌شوند. نشانه‌شناسی اجتماعی از جمله رویکردهایی است که بر معنا تمرکز دارد و معطوف به سازوکار معنا پردازی در فرهنگ و جامعه است. «از یک سو معنا حاصل کنش متقابل ذهنیت معنا ساز و ذهنیت معنا پرداز و از سویی دیگر نظام زبانی به کار رفته و محیط اجتماعی و فرهنگی است که به آسانی از هم تمییز داده نمی‌شوند» (ساسانی، ۱۳۸۹: ۸). در نشانه‌شناسی یک متن صرفاً چگونگی دلالت‌مندی نشانه‌ها مهم نیستند بلکه باید به چرایی دلالت‌مندی نشانه‌ها نیز توجه شود. «روابط میان دال‌ها و مدلول‌ها به طور هستی‌شناختی اختیاری است اما به طور جامعه‌شناختی این گونه نخواهد بود» (چندلر، ۱۳۸۷: ۳۰۵). «آنچه در این بستر مهم است فرایند معناپردازی در سطح اجتماع و فرهنگ خواهد بود» (عظیمی فرد، ۱۳۹۲: ۱۹۱-۱۹۰).

در فرایند تأثیرگذاری جامعه و نظام زبان، نشانه‌های دلالت‌مند در درون دستگاه زبانی ساخته می‌شوند که در تعامل با جامعه و فرهنگ ارزیابی خواهند شد. به همین دلیل کسانی چون هالیدی از متن به عنوان فرایندی اجتماعی-نشانه‌ای یاد می‌کنند و معنا را یک پدیدهٔ بینا ذهنی و اجتماعی می‌دانند.

«هنگامی که می‌گوییم جامعه‌ای نشانه‌شناختی، قصد من تفسیری خاص از واژهٔ جامعه است که تبیین‌کنندهٔ این نکته است که ما به شکل ویژه با روابط میان زبان و ساختار جامعه که جنبه‌ای از نظام اجتماعی است روبه‌رو هستیم» (هلیدی و حسن، ۱۳۹۵: ۳۹).

پی‌یر گیرو با توجه به نقش نظام‌های نشانه‌ای در ارتباطات و هویت اجتماعی انسان به نشانه‌شناسی اجتماعی می‌پردازد. «منابع نشانه‌شناسی در سطح جامعه محدود به نوشتار و گفتار و تصویر نیست. تمامی اموری که انجام می‌دهیم یا چیزهایی که خلق می‌کنیم، امکان پدیدآیی معانی فرهنگی و اجتماعی مختلفی را فراهم می‌کند» (لیوون، ۱۳۹۵: ۳۲). او معتقد است «نشانه‌شناسی اجتماعی گونه‌ای از سازمان‌بندی اجتماع است که بر افراد و گروه‌ها تأکید دارد و بیانگر روابط انسانی است» (گیرو، ۱۳۹۹: ۱۳۶). «نظام نشانه‌ها نقشی اساسی در شکل‌گیری اعتقادات، ارزش‌ها و رفتارهای فردی-اجتماعی انسان دارند در نتیجه بررسی و شناخت این نشانه‌ها به درک و فهم صحیح فرهنگ‌ها و جوامع کمک می‌کند» (همان: ۱۴۷).

بر مبنای نشانه‌های اجتماعی یک متن می‌توان ایدئولوژی‌ها، نظامات فرهنگی، روحیات جامعه و موقعیت‌های فرهنگی، اجتماعی و بشری را در بافت متن بازشناخت و فرایند معناسازی و معنا پردازی را با توجه به جنبه‌های فرهنگی و اجتماعی را بررسی کرد. در نتیجه نشانه‌های دلالت‌مند نهفته در معنای متن کشف خواهند شد. هر یک از این نشانه‌های دلالت‌مند بخشی از بستر کلی جامعه است بنابراین «هنگامی که نشانه‌های مختلف فرهنگ و اجتماع کنار هم‌دیگر قرار گیرند می‌توان نسبت به وضعیت اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و ایدئولوژیک هر جامعه‌ای آگاهی کسب کرد» (ایگلتن، ۱۳۸۰: ۱۳۳). نکتهٔ حائز اهمیت در بررسی جامعه‌شناسانهٔ یک متن آن است که «هویت پایدار با فرایند جامعه پذیری خلق می‌شود. در فرایند کسب هویت، آدمی برخوردار مهارت‌هایی می‌شود که در اجتماع و کنشگری در آن لازم است» (شفرز، ۱۳۸۴: ۱۳).

پی‌یر گیرو نشانه‌های اجتماعی مدنظر در مطالعات نشانه‌شناسی را در دو دستهٔ نشانه‌های هویتی و نشانه‌های معاشرتی طبقه‌بندی و بررسی می‌کند.

«نشانه‌های هویتی شامل اسامی، عناوین، لقب‌ها، نشان‌ها، طبقات اجتماعی، مشاغل و شاخص‌هایی هستند که به ساختارهای اجتماعی افراد هویت می‌بخشند و وضعیت اقتصاد اجتماع را مشخص می‌سازد و گروه‌های اجتماعی و اقتصادی را به تصویر می‌کشند و نشانه‌های معاشرتی شامل لحن کلام، ارتباطات غیر کلامی، فاصلهٔ پژوهی، اطوار و حالات و آیین‌ها است» (گیرو، ۱۳۹۹: ۱۵۰).

نشانه‌های هویتی در مقایسه با نشانه‌های معاشرتی، پایدار و ثابت هستند و هویت اجتماعی را می‌سازند اما نشانه‌های معاشرتی گذرا و معطوف به شرایط اجتماعی و فرهنگی هستند و ارتباطات اجتماعی را بازگو می‌کنند.

نشانه‌شناسی اجتماعی صفوه الصفا

نشانه‌های هویتی

اسم‌ها و القاب: نخستین عامل معرفی و شناسایی افراد در بستر جامعه، فرهنگ و متون ادبی، عناوین و اسامی هستند. هر فرد با اسم و لقب خاصی در بستر جامعه و فرهنگ شناخته می‌شود در نتیجه اسامی و القاب یکی از مهم‌ترین نمودهای هویت اجتماعی در نشانه‌شناسی اجتماعی خواهد بود. در *صفوه الصفا*، القاب و عنوان‌های به کار رفته برای افراد غالباً متوجه جایگاه فرد در طریقت صوفیه است و بر این اساس معرفی می‌شوند. شخصیت شیخ صفی‌الدین

اردبیلی که محوراصلی تألیف کتاب است، با دو عنوان و لقب شیخ و صفی یاد می‌شود. مؤلف در غالب کتاب از لقب شیخ برای معرفی شیخ صفی‌الدین اردبیلی استفاده می‌کند. لقب صفی تنها در مواردی دیده می‌شود که عبارتی خطاب به شیخ صفی یا درباره او از جانب استاد و مرادش شیخ زاهد گیلانی بیان شود در این موقعیت لقب صفی جایگزین لقب شیخ می‌شود تا مراتب استاد و شاگردی و مراد و مریدی میان شیخ زاهد گیلانی و شیخ صفی رعایت شود.

«شیخ زاهد فرمود: صفی، حق تعالی تو را به خلق نمود و فرمان حق تعالی چنین است که تو را آنجا می‌باید رفتن» (ابن بزاز، ۱۳۷۳: ۱۶۱).

گروه دیگر مشایخ صوفیه عمدتاً با دو لقب و عنوان در صفوه الصفا معرفی می‌شوند. بعضی از مشایخ با عنوان مولانا در کتاب معرفی می‌شوند که البته بسامد اندکی دارد. در مقابل لقب پیره یکی از القاب پر بسامد است که ابن بزاز از آن استفاده می‌کند. افرادی مثل پیره جبرئیل کفشدوز، پیره اسحاق، پیره احمد پرنیقی، پیره دولت‌شاه و پیره اسماعیل تیرآبادی، اشخاصی هستند که با لقب پیره در کتاب معرفی می‌شوند. واژه پیره صورت دیگر اصطلاح پیر به معنای مرشد مشایخ طریقت است که ابن بزاز برای معرفی مشایخ طریقت از آن استفاده می‌کند تا جایگاه والای آن‌ها را در ساختار طریقت صوفیانه نشان دهد. این القاب جایگاه هر شخص را در نظام اجتماعی و نظام طریقت نشان می‌دهد تا مخاطب بدون آگاهی و شناخت از شخصیت، پی به جایگاه او در جامعه ببرد و شخصیت او را بشناسد.

در کنار عناوین و القابی که در صفوه الصفا برای معرفی افراد استفاده می‌شود، اسامی خاص نیز حضور قابل توجهی دارند. بررسی اسامی و عناوین در صفوه الصفا مشخص می‌سازد که تأکید ابن بزاز بر ارائه و معرفی افراد در چارچوب القاب و عناوین است تا صرف نام افراد. از این رو، اسامی افراد در کتاب عمدتاً با القاب و صفاتی همراه می‌شود که نقش معرف را ایفا می‌کنند. این القاب و صفات شامل حرفه‌های افراد و انتسابشان به محیط‌های جغرافیایی است که در سرتاسر کتاب دیده می‌شود. به‌الدین صابون فروش (همان: ۶۹)، محمد ورزقانی (همان: ۲۳۶)، جمال‌الدین ساوجی (همان: ۳۸۶)، سلیمان نجار (همان: ۶۰۵)، رکن‌الدین طباخ اردبیلی (همان: ۷۳۰)، احمد فومنی گیله شهری (همان: ۱۰۳۰)، احمد قصاب (همان: ۱۰۶۶)، شمس‌الدین سلماسی (همان: ۱۰۸۱)، ابراهیم خباز (همان: ۱۱۱۶) و... نمونه‌هایی از نام‌هایی است که در کنار القاب فرد ارائه شدند.

مکان: انسان‌ها در محیط‌ها و مکان‌ها بخشی از معنای خود را پیدا می‌کنند در مقابل مکان‌ها نیز با حضور انسان‌ها دارای هویت و معنا می‌شوند. به طور کلی «مکان‌ها از بن‌مایه‌هایی ساخته شدند که در پیوند با معنای شخصیت‌های ساکن در آن مکان است» (فاولر، ۱۳۹۰: ۶۱). حضور افراد در مکان‌ها و رابطه دو جانبه میان انسان‌ها و مکان‌ها می‌تواند بخشی از هویت اجتماعی را خلق کند و دسته‌بندی‌ها و طبقات اجتماعی را به مخاطب نمایش دهد. این مکان‌ها می‌توانند مکان‌هایی عینی یا ذهنی باشند.

در نشانه‌شناسی اجتماعی صفوه الصفا، مکان‌ها معطوف به مکان‌های عینی و مشهود هستند و در دو دسته مکان‌های جغرافیایی و مکان‌های مناسبتی بررسی می‌شوند. حضور گسترده شخصیت‌های صفوه الصفا در دو ناحیه جغرافیایی اردبیل و گیلان رخ می‌دهد. اردبیل به دلیل حضور شخصیت شیخ صفی و گیلان به دلیل حضور شخصیت شیخ زاهد گیلانی و دوران تلمذ طریقت شیخ صفی نزد او نقش و حضوری مهمی در فرایند تولید معنای متن ایفا می‌کند. حیات صوفیانه شیخ صفی‌الدین اردبیلی در گیلان و تحت هدایت شیخ زاهد گیلانی آغاز شد و سپس در اردبیل به اوج رسید. دسته دوم مکان‌های مناسبتی هستند. این عنوان متوجه مکان‌هایی است که کارایی خاصی در فضای اجتماعی دارند. یکی از مکان‌های پر کاربرد در صفوه الصفا، زاویه‌هایی است که به عنوان محل حضور شیخ صفی‌الدین اردبیلی یاد می‌شود. در حقیقت بخش اعظمی از هویت و کنش شیخ صفی‌الدین اردبیلی در ارتباط با زاویه‌ها و حضور فعال در زاویه‌ها شکل می‌گیرد. ارتباط افراد با شیخ صفی غالباً در محل و مکان زاویه شیخ صورت می‌گرفت. علاوه بر زاویه، مسجد و شبستان مسجد نیز از جمله مکان‌های مناسبتی مهمی است که در صفوه الصفا نقش معنا پردازی ایفا می‌کند.

« بعد از آن چون به مراجعت به اردبیل رسیدم به حضرت شیخ قدس سره رفتم. شیخ از پنجره زاویه متبرکه که پیش ذیل سجاده شریفه است بیرون آمد. من از بیرون استاده بودم» (ابن بزاز، ۱۳۷۳: ۳۰۸).

« من برخاستم و به حضرت شیخ قدس سره رفتم و صورت حال بگفتم. شیخ فرمود: من تنها در زاویه می‌نشینم. برو و او را بیاور. بیامدم و او را برداشتم و به حضرت شیخ قدس سره می‌رفتم. در راه کودکان را دید که به لعب و کعب بازی مشغولند. چون به حضرت شیخ قدس سره رسیدیم، شیخ در زاویه قدیم نشسته بود» (همان: ۴۲۸).

ابن بزاز ضمن ارائه اطلاعات از موقعیت صوفیانه عصر شیخ صفی، اوضاع و احوال اجتماعی را نیز به تصویر می‌کشد. در بحث مکان‌های کتاب، توجه ابن بزاز به مقر حکومت پادشاهان مغول قابل تأمل است. در *صفوه الصفا* مجموعاً ده بار از اصطلاح اردو برای معرفی محل و مقر حکومت مغولان نام برده می‌شود که متوجه نواحی اردبیل است. اردو یکی از مکان‌های مناسبی *صفوه الصفا* است که بازتاب دهنده طبقه افراد ساکن در آن موضع است به مانند زاویه و مسجد که هویت اجتماعی افراد را آشکار می‌سازد.

طبقات اجتماعی: بخش مهمی از هویت اجتماعی افراد متکی به جایگاه و حضور فرد در طبقات اجتماعی است. در حقیقت طبقات اجتماعی در هر دوره‌ای به عنوان رکن هویت ساز برای افراد عمل می‌کنند و نقش‌پذیری افراد در هر دسته و طبقه اجتماعی منجر به شکل‌گیری بخشی از هویت افراد خواهد شد. *صفوه الصفا* اثری در شرح حال مشایخ صوفیه عصر شیخ صفی، در نتیجه طبقات اجتماعی معرفی شده در این اثر جزئی از ساختار کلان نظام تصوف هستند. طبقه و گروه صوفیان و اهل طریقت نقش اصلی و بنیادین را در شکل‌گیری معنای اثر ایفا می‌کنند. شیخ صفی، شیخ زاهد گیلانی و شاگردان شیخ صفی همگی در طبقه صوفیان و اهل طریقت جای می‌گیرند و هویت اجتماعی می‌پذیرند. ابن بزاز در ضمن به تصویر کشیدن طبقه صوفیان و اهل طریقت، از گروه‌ها و طبقات اجتماعی دیگری نیز یاد می‌کند و نقش طبقه اجتماعی آن‌ها را بررسی می‌کند. برای مثال از طبقه پهلوانان نامدار آن دوره یاد می‌کند که شهرت و محبوبیت قابل توجهی داشتند و در مناسبات و ارتباطات با طبقه اهل طریقت نقش مهمی بر عهده داشتند. بخش دیگری از معرفی طبقات اجتماعی این دوره مربوط به طبقه اخی‌ها است. طبقه اخی‌ها به طبقات مختلف اجتماعی تعلق داشتند. اخگیری سازمانی دینی و صوفیانه بود که سعی داشت با تکیه بر تصوف و عرفان بنای راستی و درستی را در دل جامعه ایجاد کند. در حقیقت اخی‌ها با تکیه بر اصول تصوف برای تأمین عدالت اجتماعی و اقتصادی هر عصر تلاش می‌کردند. بیشترین اطلاعات درباره طبقه اخی‌ها و اخگیری در قرن هشتم هجری را ابن بطوطه در *سفرنامه* خود شرح می‌دهد.

«دسته اخی‌الفتیان یا برادران جوانمرد در هر شهر و قریه و بلادی وجود دارند. این گروه در غریب نوازی و اطعام و برآوردن حوائج مردم و دستگیری از مظلومان در تمام دنیا بی‌نظیرند. اخی در اصطلاح آن نواحی کسی را گویند که از طرف همکاران خود و سایر جوانان مجرد به عنوان رییس و پیشکسوت انتخاب می‌شود. این طریقت را فتوت نیز می‌نامند. پیشکسوت هر یک از گروه‌ها خانقاهی دارد تجهیز شده» (ابن بطوطه، ۱۳۷۶: ۳۴۷).

ابن بزاز از نام بیست اخی در *صفوه الصفا* یاد می‌کند که «در مناسبات اجتماعی با زاویه اهل طریقت و شیخ صفی الدین اردبیلی حضور موثر داشتند» (ابن بزاز، ۱۳۷۳: ۱۸). ابن بزاز از طبقات دیگر جامعه نیز در اثر خود یاد می‌کند. این دسته از طبقات معرفی شده در *صفوه الصفا*، توصیف‌کننده هویت اجتماعی - زیستی افراد است. ابن بزاز برای

معرفی مردم از طبقات مختلف از عناوینی مثل شهرستانی، خراسانیان و اردبیلیان یاد می‌کند تا با چنین طبقه بندی، هویت مشخصی به افراد ببخشد

«پس در خلوت رفت و گفت: شیخ این جماعت که در خلوت شیخ‌اند همه شهرستانی‌اند و در شهرستان پرورده‌اند و به مأكولات و مطعومات لذیذه و بر لحوم و دسوم معود شده. اگر دفعهٔ واحدهٔ ایشان را از مألوف منع کنند و به ریاضت سخت مشغول گردانند، دماغ ایشان تحمل نکند و ضعف دماغ پیدا گردد و سر به رسوایی کشد» (همان: ۱۲۴).

ابن بزاز همچنین از طبقه‌ای به نام قوالان یاد می‌کند که در مجالس سماع در حضور شیخ صفی الدین اردبیلی، با آواز دلنشین خود بر ذوق و حال شیخ و حاضران در جلسه سماع می‌افزودند.

مشاغل: ابن بزاز در معرفی مشاغل مردمان در دورهٔ شیخ صفی تأکید و توجه خاصی دارد. کتاب تراجم احوال شیخ صفی است از این رو مشاغلی که شیخ صفی الدین اردبیلی به عنوان پیر و مرشد طریقت صفویه به آن‌ها اهتمام داشته را به تصویر کشیده است. ابن بزاز از دو شغل زراعت و هیمه‌کشی برای شیخ صفی یاد می‌کند. اهمیت بازگویی شغل شیخ صفی الدین اردبیلی به عنوان رهبر طریقت صفویه در آن است که با وجود جایگاه صوفیانه، دست از امرار معاش نمی‌کشید. هویت صوفیانه و اجتماعی شیخ صفی الدین اردبیلی با ذکر مشاغل مربوط به سطح اجتماع، شکل کامل‌تری به خود می‌گیرد. ابن بزاز در میانهٔ کلام هر جا ضرورت می‌یافت از دو شغل مرتبط با اجتماع شیخ صفی یاد می‌کرد تا بر جایگاه اجتماعی او تأکید ورزد.

«شیخ صدر الدین ادامه الله بر کاته گفت: نوبتی در حمام دست به دوش مبارک شیخ قدس سره فرو می‌کردم. بر دوش مبارکش گرهی سخت شگرف یافتم. پرسیدم بابا این چیست؟ این گره از هیمه کشی جهت زاویهٔ مطبخ شیخ زاهد بر دوش من افتاده است» (همان: ۱۲۱).

«شیخ قدس سره در ایام ماضیه گندم زراعت می‌کرد در زمین آبی و از برای آب نزاع بودی. شیخ جفت خود را در دیم در زمین خشک بیست که سقی آن بر حسب توکل به آب باران باشد» (همان: ۹۱۶).

ابن بزاز در معرفی شاگردان به نام شیخ صفی نیز همان رویهٔ خود در توصیف شیخ را دارد به این معنا که هر کدام از شاگردان شیخ صفی را با انتساب به شغل و مهارتی مرتبط با مردم و جامعه معرفی می‌کند و با مشاغلی مثل شالدوزان، موزه دوزان، خبازان، طبّاخان، جامه بافان، صابون فروشان، کفشدوزان، قصابان و ... به تصویر می‌کشد که گویای هویت اجتماعی هر یک از آن‌ها است. در مجموع در تمام متن صفوه الصفا، چهل و یک حرفه و شغل در روزگار شیخ صفی چون خوک کشی (همان: ۲۵۰)، جامه بافی (همان: ۳۳۲)، سفره چی (همان: ۳۵۳)، حدادی (همان: ۴۱۰)، نبط فروشی (همان: ۶۰۵)، دباغی (همان: ۶۰۷)، پالان دوزی (همان: ۷۳۴) معرفی می‌شود که گویای تنوع مشاغل در حیات اجتماعی قرن هفتم و هشتم است.

زمان: کنش‌ها و حوادث ضمن تعلق به ظرف مکان، به ظرف زمان نیز برای تحقق نیاز دارند. شکل‌گیری هویت اجتماعی در امتداد کنش‌ها و حوادثی است که فرد یا در آن‌ها حضور جانبی دارد یا نقش فعالی در فرایند کنش‌ها ایفا کند. خط زمانی صفوه الصفا به دو صورت به کار رفته است. در بیشتر قسمت‌های کتاب، زمان یک خطی و بدون جریان سیال است. تمامی حکایات و بخش‌های با زمان خطی و فاقد جریان سیال زمانی شکل می‌گیرند و تنها گذر طبیعی زمان است که در بستر زمان رخ می‌دهد.

بخشی از حوادث متن مرتبط با زمان غیر خطی و سیالی است که از مسیر عادی و گذر طبیعی زمان خارج می‌شود. ابن بزاز در فصل اول از باب دهم کتاب به کرامات پس از مرگ شیخ صفی الدین اردبیلی در منامات و رویا می‌پردازد. در این بخش، زمان به دلیل ماهیت خواب و رویا، از جریان تک خطی خود خارج می‌شود و شکل سیالی می‌گیرد.

مخاطب در برخورد با این جریان غیر خطی و ناگذر زمان، شناخت غنی‌تری از معنای کرامات شیخ و شخصیت عارفانه او پیدا می‌کند. رفتار و اقوال شیخ صفی در خواب شاگردان با زمانی غیر خطی و سیال توصیف می‌شود.

«کارکرد نشانه شناسانه رویا و خواب در فاش کردن شخصیت‌ها و من ناخودآگاه هر شخص است که به صورت خواب و رویا هویت می‌گیرد. یکی از مهمترین معانی درونی هر رویا و خواب، خودافشایی و نمایان شدن لایه‌های نهان شخصیت در خواب است. علاوه بر خودافشایی شخصیت، رمزگان رویا نوعی آگاهی پیش زمینه‌ای از حوادث آینده حاصل می‌کند. رویا و خواب آشکار کننده من و خود است اما این نماد در پشت حجاب‌ها پنهان می‌شود و روند هم‌ذات‌پنداری در رویا ممکن می‌شود» (شوالیه و گربران، ۱۳۸۵: ۴۰۳).

«پیره احمد گفت که پیره عبدالکریم هشترودی گفت: چون شیخ قدس الله سره به حیات ابدی رسیده بود و پیره بابای مراغی با شیخ صدرالدین طریقه سرکشی پیشه گرفته بود. شیخ را قدس سره در واقعه دیدم که فرمود: برو بابا را بگو که صدرالدین صدر جهان است و این سجاده ارشاد و تربیت از آن اوست. با او سرکشی نکند. اگر سخن نشود آنچه دارد از او بستانم و بیخس برکنم و به دست خواری باز دهم و زاویه‌اش مقام گوساله گردانم. پیره عبدالکریم این سخن واقعه شیخ به بابا رسانید» (ابن بزاز، ۱۳۷۳: ۱۰۰۸).

زنان: جنسیت در جوامعی که نگاه مرد سالار بر آن حاکم است در تعیین جایگاه و نقش اجتماعی تأثیرگذار خواهد بود. تابوهای جنسیتی و عدم حضور فعال زنان در بستر اجتماع و محیط‌های خانقاهی باعث عدم توجه به مسائل جنسیتی در پرداخت افراد شده است. با وجود این در بعضی از متون کهن صوفیه مانند *صفوه الصفا*، از نقش و عمل اجتماعی زنان یاد می‌شود هرچند این نقش و عمل چشمگیر نیست.

این بزاز به اقتضای کلام، گاهی تصویری از زنان جامعه را نیز به طور مجمل و مختصر ارائه می‌دهد. او برای به معرفی زنان از واژه عورت و عورتی استفاده می‌کند که ریشه در نگاه‌های مردسالارانه جامعه خود دارد. با این وجود این بزاز سعی می‌کند حضور و کنش زنان را در مناسبات اجتماعی و خانقاهی پر رنگ‌تر از قبل سازد.

«عورتی بود سیده که حلال امیر ضیاءالدین قوشجی بود. چون از خانه بیرون آمد، ولوله و آواز و زجلی عظیم شنید. در پی آن روانه شد. پرسید که این حال چیست؟ گفتند: شیخ صفی الدین قدس الله سره در سماع و وجد است. گفت: از برای خدا راه دهید تا یک نظر روی مبارکش ببینم...» (همان: ۶۴۳).

«شبی عورتی بر سر چاه آمد و گفت: اگر نتوانید چاره خود ببرید که فردا شما را به قتل خواهند آوردن. چون هیچ چاره ندانستیم، از بیچارگی به درگاه حق تعالی، آن شب همه شب نوحه و زاری کردیم» (همان: ۱۰۳۶).

حیوانات: حیوانات در فرایند تولید معنای *صفوه الصفا* نقش ویژه‌ای برعهده دارند. این نقش ویژه در باب کرامات شیخ صفی‌الدین اردبیلی در نجات حیوانات پر رنگ می‌شود. در مجموع بیست و نه مورد حضور حیوانات مختلف به عنوان نشانه‌های معناساز در *صفوه الصفا* دیده می‌شود که به طور مستقیم بر نشانه‌های هویتی و شناختی شیخ صفی‌الدین اردبیلی تأثیرگذار است. حیوانات در این حضور نشانه‌ای، هم متأثر از کنش کرامت‌وارانه شیخ صفی و هم با عمل و کنش خودشان در متن ظاهر می‌شوند نشانه‌های دلالت‌مند حیوانات اگرچه مستقیماً به نقش حیوانات در محیط اجتماعی مربوط نمی‌شود، زمینه هویت بخشی به شخصیت عارفانه شیخ صفی را فراهم می‌کند.

«خواجه آقا گفت: روزی شیخ قدس سره، به دیه کلخوران می‌رفت. ایلچی از راه آرآن برسید و شیخ را نمی‌شناخت. اسب شیخ را به الاغ طلب کرد. شیخ قدس سره اسب را به دست ایلچی داد. چون ایلچی

بر اسب نشست، اسب بر جای ایستاد و نمی‌رفت. چندان که ایلچی سعی می‌کرد و می‌زد پای از جای بر نمی‌داشت. ایلچی متحیر شد. چون جماعتی در رسیدند، پرسید که این بزرگوار چه کس است؟ گفتند: شیخ است. بیامد و اسب باز داد و در دست و پای شیخ افتاد» (همان: ۶۱۷).

«روایت است از پیره محمد تولی که سالی دعوت شیخ به تول کرده بودیم. چون شیخ از اسب فرود آمد اسب را در کشت گندم بردند تا چرا کند. اسب دم به گندم باز نهاد و به کنار کشت آمد و علف می‌خورد. چون به بندگی شیخ قدس الله سره عرضه داشتند، فرمود: بلی، اسب ما روزی آدم نخورد» (همان: ۶۲۳).

لباس: نوع پوشش بیانگر شخصیت، هویت و تعلق فرد به طبقه‌ای خاص از اجتماع است. «در هر تکه از لباس پیامی وجود دارد که ممکن است صرفاً پیامی زیباشناسانه باشد- اگر چه نادر است- و یا مجموعه‌ای باشد از رمزهای نشانه‌ای برای انتقال پیام‌های عمیق با معانی بزرگ» (متین، ۱۳۸۳: ۴۰). آگاهی از موقعیت و وضعیت افراد در بستر جامعه و فرهنگ و حتی اطلاع از کیفیت فکر و اندیشه او پیوندی عمیق با نوع پوشش و لباس فرد دارد تا جایی که پوشش و لباسی خاص تبدیل به نماد گروهی از فرهنگ و جامعه یک سرزمین می‌شود مثل خرقه‌های پشمین صوفیه که تبدیل به نشانه‌ای اجتماعی در جهت هویت دهی به طبقه صوفیان شد.

نوع پوشش شیخ صفی‌الدین در صفوه الصفا پوششی ساده و بدون برخورداری از آذین‌های جامه‌ای است حتی لباس و خرقه صوفیان نیز برای نوع پوشش شیخ صفی توصیف نمی‌شود. ابن بزاز سعی کرده شخصیت شیخ صفی را در کنار عامه مردم نشان دهد به همین دلیل در به کارگیری نشانه‌های هویتی مثل شغل و لباس، روال عادی مردم را به شیخ صفی نسبت می‌دهد. از طرفی به تصویر کشیدن چهره صوفیانه بی‌توجه به دنیا برای شیخ صفی، عامل دیگری در این شیوه لباس پوشی او در صفوه الصفا است.

«و ترک و تجرید کلی عادت فرمودی تا به حدی که باز به همان نمد بالابین و پشمین زبرین اقتصار لباس کرده بود و یک گزشال بر سر مبارک پیچیده بود و گاه می‌بودی که آن شال نیز به دو پاره می‌بودی و بند نعلین بیشتر از گیاه بافته می‌داشتی» (ابن بزاز، ۱۳۷۳: ۱۲۱).

«پیره امیرعلی گفت: روزی در حضرت شیخ قدس سره، نشسته بودم. در ضمیرم این فکر گذشت که روش مجردی است شیخ را، جامه‌های نفیس و متاع دنیوی چراست؟ علی الفور شیخ را به فراست معلوم شد و گفت: بلی، بلی طالبان راست می‌گویند اما امیرالمومنین حسن و حسین رضی الله عنهما نواده محمد مصطفی علیه‌الصلوة و السلام بودند. امیرالمومنین حسن لباس نفیس پوشیده است و امیرالمومنین حسین ژنده پوشیده است. این نیز رواست و آن نیز رواست» (همان: ۷۲۴).

نشانه‌های معاشرتی

لحن کلام: کلام و سخن متناسب با بافت، موقعیت و مخاطب شکل می‌گیرد در حقیقت موقعیت و مخاطب کلام است که شیوه انتقال کلام را هویت می‌دهد و از طریق شیوه‌های انتقال کلام و لحن کلام، هدف کلی سخن تحقق می‌یابد. «لحن سازنده فضای کلی کلام است» (براهنی، ۱۳۶۲: ۳۲۵). کلام نخستین و مهمترین شیوه ارتباطی میان افراد است که در اشکال مختلف متناسب با شرایط کلام شکل می‌گیرد.

در صفوه الصفا به طور کلی سه لحن عمده کلام وجود دارد که بر اساس موقعیت و مخاطب ارائه می‌شوند. نخست لحن تعلیمی کلام است که به صورت لحن آمرانه، لحن نهی کننده، آموزشی صرف و لحن نصیحتگر ظاهر می‌شود. این لحن به ویژه در باب هشتم کتاب در ذکر سیرت شیخ صفی‌الدین، لحن غالب در فرایند ارتباط است. در مجموع ابن بزاز،

۱۲۵ مرتبه از لحن تعلیمی کلام و عمدتاً از زبان شیخ صفی‌الدین استفاده می‌کند. او تأکید دارد که شخصیت شیخ صفی‌الدین، شخصیتی هدایتگر و آموزشگر بود و در هر زمان، چنین لحن و ارتباطی با مردم داشت.

« شیخ در خلاء و در ملاء به نصیحت و تربیت خلائق مشغول بودی و دائم الکلام ناطق بالله واعظ بالله بودی. اگر چه در خانه بودی با عیال و اطفال خود دائم النصیحه بودی » (ابن بزاز، ۱۳۷۳: ۹۰۶).

« شیخ قدس الله سره فرمود: اگر کسی را مصیبتی رسد شکر باید کردن زیادت بر صبر. از برای آن که اگر صبر نکند چه کند؟ و اگر کسی را مصیبتی رسد صبر بباید کردن تا از ثواب خالی نباشد و اگر صبر نکند و جزع کند دو مصیبت باشد. پس صبر بباید کردن و با صبر شکر که آن نشانه کمال ایمان است » (همان: ۹۲۶).

لحن دیگر در فرایند معنا سازی و ارتباط گیری در *صفوه الصفا*، لحن عتابی است. در لحن تعلیمی، شیخ صفی در قامت آموزشگر ناصح با زبان و بیانی آرام ظاهر می‌شود اما در لحن عتابی، تندوی در کلام و ارتباط میان شیخ و مخاطب دیده می‌شود. ویژگی بارز لحن عتابی به کار رفته در *صفوه الصفا*، به کارگیری جملات نفرینی در میان کلام است که نشانه‌ای دالتمند از لحن و هدف کلام محسوب می‌شود. گاهی نیز لحن تعلیمی با لحن عتابی تلفیق می‌شود.

« شیخ قدس سره به وی شفاعت کرد که مردم را زحمت ندهد و ظلم نکنند و عرب قبول نمی‌کرد. شیخ بر سبیل تبرک طاقیه‌ای بر سر وی نهاد و شفاعت فرمود. فایده نداشت. از آنجا رها کرد و پشت بگردانید و برفت. شیخ قدس سره فرمود از سر غیرت: برو که از چشم‌ها محروم شدی. یکی دو ماه در این برنیامد که عرب را هر دو چشم پوشیده شد » (همان: ۳۷۰).

«خادمان گفتند که وجود مبارک شیخ خسته است. باید که به ادب روید. من در رفتم و آهسته بوسه بر پای مبارک شیخ دادم و باز پس آمدم. شخصی دیگر با من بود. گستاخ رفت و دست شیخ بوسه داد و گستاخ بگرفت و بکشید. شیخ از وقتی که داشت باز آمد و از غیرت گفت: بالا به گورا چه رفته بود که دست مرا بکشیدی. چون مراجعت کردیم یکی چوبی بر سر آن شخص بزد » (همان: ۳۸۹).

سومین لحن موجود در *صفوه الصفا*، لحن خواهشگری است. در شکل گیری این لحن، پرسشی از مفاهیم صوفیه یا درخواست کمک و استمدادی از شیخ صفی نقش تأثیرگذار دارند. از مجموع ۱۲۵ لحن تعلیمی به کار رفته، شصت و یک مورد در پاسخ به پرسش‌هایی است که مریدان درباره آموزه‌های صوفیانه از شیخ صفی داشتند.

«مولانا قطب الدین تبریزی گفت: که چون متوجه حضرت شیخ قدس الله سره بودیم، در راه که می‌رفتیم گرما در ما اثر کرد. در دل فکر کردیم که کاش شیخ به ما هندوانه می‌دادی که گرما در ما اثر قوی کرده است و وقتی بود که هندوانه متعذر بود. حاله النزول شیخ یک هندوانه و دو خربزه بفرستاد و فرمود: گرما یافته‌اید، این هندوانه به کار دارید » (همان: ۷۳۴).

«پادشاه ابوسعید طاب مضجعه به حضرت شیخ قدس الله سره فرستاد و استمدادی از همت مبارک شیخ درخواست که " اوزیک قصد مملکت من کرده است. همت و استعانت شیخ می‌باید " شیخ قدس سره فرمود: پادشاه را بگو که چندان که من در آب و گلم تو را باکی نیست و ایشان را ظفیری و تورای ضرری نخواهد بود » (همان: ۷۴۳).

ارتباط غیر کلامی: نقطه مقابل ارتباطات کلامی، ارتباطات غیر کلامی است. افراد علاوه بر ارتباط از طریق کلام و سخن، از شیوه‌های ارتباطی دیگری نیز برای اتصال به همدیگر استفاده می‌کنند. ارتباطات غیر کلامی تأثیر مهمی در کنش‌های افراد دارند و در کنش‌های افراد ظاهر می‌شوند. بخشی از ارتباطات غیر کلامی معطوف به کنش‌ها و اعمالی است که افراد در قبال یکدیگر و در تعامل و تقابل با هم انجام می‌دهند که بر معنای مشخصی دلالت دارد. «بخشی دیگر از ارتباطات غیر کلامی میان افراد به حرکت اندام‌های بدن، حالات چهره و اشارات مربوط می‌شود» (ریچموند و مک کروسکی، ۱۳۸۸: ۱۷). مجموعه این ارتباطات غیر کلامی به مانند ارتباطات کلامی، نشانه‌های اجتماعی معاشرتی در هر متن را خلق می‌کند که موید معنایی نهفته در متن است. «تحلیل و بررسی حالات چهره، ایما، اشاره و حتی رقص در ارتباطات غیر کلامی است» (گیرو، ۱۳۹۹: ۱۲۳). و تنه اصلی اطوار پژوهی و حالت ارتباط غیر کلامی را می‌سازد.

در صفوه الصفا از هر دو نوع ارتباط غیر کلامی استفاده می‌شود. کنش‌ها و اعمال دلالت‌مند و هدفمند در صفوه الصفا بیشتر در کرامات غیر کلامی شیخ صفی الدین اردبیلی و یا تعامل‌ها و تقابل‌های مریدان با شیخ صورت می‌گیرد. بخش مهمی و گسترده‌ای از متن صفوه الصفا به کرامات شیخ صفی اختصاص دارد. این کنش‌های غیر کلامی نقشی اساسی در برقراری ارتباط میان شخصیت شیخ صفی و مریدان در متن کتاب ایفا می‌کند.

« قضاء الله طاشتمور با اسب از آن کمر پرتاب شد و در میانه راه از اسب جدا شد. اسب چنان بر زمین افتاد که قطعه قطعه شد و تمام مفصلش از همدیگر متفرق شد. طاشتمور به سلامت بر زمین آمد و بر پا بایستاد و هیچ آسیب و خللی به اعضای او نرسید و سر مویی آزرده نشد. امیر چوپان عظیم مشوق شد. چون نزدیک رفت و اسب را دید پاره پاره شده و طاشتمور به سلامت مانده حیران و متعجب شد. از طاشتمور پرسیدند احوال چه بود؟ گفت: در روی هوا که بر زمین می‌آمدم شیخ را دیدم قدس الله سره که گریبان پیش حلق و سینه من بگرفت و مرا از اسب دربرود و آهسته بی زحمت و آسیبی بر زمین نهاد» (ابن بزاز، ۱۳۷۳: ۳۱۷).

« چون این معنی ممکن نشد و آتش در نمی‌افروخت و خلوت نمی‌سوخت، آتش غضب و حسد ایشان زیادتر شد. قصد کردند که شیخ را به تیر زنند. جمعی را بفرستادند تا شیخ را به تیر بزنند و کمین کردند. چون دست به کمان بردند، دست ایشان خشک بماند و کمان نمی‌گرفت و از کار برفت و دست هیچکس کارگر نشد» (همان: ۷۸۹).

دسته دوم ارتباطات غیر کلامی یعنی حالات چهره و احساسات نیز در نظام نشانه‌ای ارتباطی- معاشرتی صفوه الصفا کارایی دارد. گاهی ارتباط بدون سخن و کنش خاصی و صرفاً با حالت چهره و احساسات میان دو فرد برقرار می‌شود. به طور کلی ارتباطات غیر کلامی از نوع حالات چهره و احساسات در دو دسته کلی حالت لطف و شادی و حالت عنف و تغییر در صفوه الصفا یافت می‌شود که در سرتاسر متن کتاب پراکنده شده است. فرد با توجه به سخن یا عمل طرف مقابل، یکی از این دو حالت را در چهره و حالات خود نمایش می‌دهد. حالت و احساسات، نشانه‌هایی دلالت‌مند و هدفمند غیر کلامی از معنا هستند که میان دو فرد مبادله می‌شود.

« جمعی از خدام شیخ بیامدند و در خدمت شیخ عرضه داشتند که کارهای ما جمله تمام شد موقوف یک نشان است از آن مولانا شمس الدین یزدی و او به سبب حمایت و تعصب قاضی بهالدین نشان نمی‌کند. رنگ مبارک شیخ قدس سره متغیر شد و دست به محاسن فرو کرد» (همان: ۳۸۸).

« از پیره نوامیر النجارتی روایت کردند که به وقتی که شیخ به سلطانیه می‌رفت چون نزدیک زنجان رسید به نوامیر اشارت فرمود که چیزی بگو و او چیزی نگفت. شیخ را ذوقی بشد و بر سر اسب دست‌ها برافشاند و بسیار ذوقی براند» (همان: ۷۷۰).

فاصله از مردم: میزان ارتباط و فاصله از مردم یکی دیگر نشانه‌های معطوف به روابط اجتماعی در نظام‌های نشانه‌ای است و «فاصله با مخاطب یک نشانه دلالتگر تعبیر می‌شود» (گیرو، ۱۳۹۹: ۱۲۱). شیخ صفی‌الدین اردبیلی به عنوان رهبر طریقت صفویه در *صفوه الصفا*، ضمن برخورداری از کنش‌های ارتباطی و اجتماعی که از آن‌ها یاد شد، ویژگی‌هایی مختص به عالم تصوف و طریقت دارد که به هویت اجتماعی او ابعادی صوفیانه می‌بخشد. یکی از مهم‌ترین آن‌ها، فاصله‌گزینی اختیاری از مردم در لحظاتی از حیات بود. خلوت‌گزینی و دوری موقتی از خلق، بخشی از آداب مورد نظر اهل طریقت بود که در معاشرت اجتماعی شیخ صفی نیز در *صفوه الصفا* توصیف می‌شود. بسامد این ویژگی اندک است و مؤید این نکته است که تعامل اجتماعی شیخ صفی اردبیلی بر خلوت‌گزینی‌ها و دوری از جماعت غالب بوده و نقش مهمی در هویت بخشی به شیخ صفی در فرهنگ و اجتماع ایفا می‌کرده است. با این وجود فاصله‌گیری موقتی از مردم به عنوان نشانه‌ای از ارتباطات اجتماعی در *صفوه الصفا* دیده می‌شود.

«پیره اسحاق باقلانی برخاست و در سماع رفت. شیخ از سر غیرت از میدان سماع بیرون رفت و در خلوت خود رفت. علی الفور پیره اسحاق بیوفتاد و چون مرده‌ای خشک شد. تمامت خلق روی به خلوت شیخ قدس سره نهادند و سر برهنه شدند و چندان که شفاعت کردند در مقام قبول نمی‌افتاد» (همان: ۴۱۸).

آداب وصیت: توجه به آداب و باورهای دینی در هویت معاشرتی و اجتماعی شیخ صفی، انگاره‌ای اساسی است که توسط ابن بزاز در چارچوب آداب وصیت شیخ صفی به تصویر کشیده شده است. ابن بزاز لحظات پایانی عمر شیخ صفی را با وصیت‌های او و اهتمام بر آیین وصیت کردن همراه می‌کند و به تصویر می‌کشد. بازگویی آیین‌هایی مثل آیین وصیت در متون، به طور هدفمند جایگاه اجتماعی افراد و جایگاه و میزان اهمیت آیین‌ها در بافت فرهنگی و اجتماعی هر عصر را آشکار می‌سازد.

نتیجه‌گیری

مطالعات نشانه‌شناختی متون، زمینه‌شناخت غنی‌تر فرایند معنا سازی و معنا پردازی از طریق مجموعه نشانه‌ها و رمزگان‌های درون متن را فراهم می‌کند. متن با اتکا به نظام‌های نشانه‌ای دلالت‌مند موجود در آن، با مخاطب آگاه خود ارتباط می‌گیرد و معنای هدفمند خود را شکل می‌دهد. یکی از مهم‌ترین سطوح نظام‌های نشانه‌ای در بررسی هر متنی، بررسی و مطالعه نشانه‌های اجتماعی معطوف به هویت اجتماعی افراد و ارتباطات اجتماعی میان آن‌ها است. *صفوه الصفا* نوشته ابن بزاز اردبیلی، از مهم‌ترین منابع شناختی صوفیان در قرن هشتم هجری محسوب می‌شود که ضمن ارائه اطلاعاتی از شخصیت خانقاهی و اجتماعی شیخ صفی اردبیلی و مریدان او، تصویری قابل تأمل از اوضاع و احوال اجتماعی و فرهنگی عصر شیخ صفی عرضه می‌کند. نشانه‌های اجتماعی موجود در متن *صفوه الصفا* در دو دسته نشانه‌های هویتی شامل القاب، مشاغل، طبقات اجتماعی گوناگون، مکان‌های مناسبی و جغرافیایی، زمان، زنان، حیوانات و لباس‌ها و نشانه‌های معاشرتی شامل لحن کلام، ارتباط غیر کلامی، فاصله از مردم و آیین وصیت کردن قابل بررسی و طبقه‌بندی هستند. هر یک از این نشانه‌های اجتماعی به عنوان نماد هدفمند با مدلولی مشخص در فرایند تولید معنای متن *صفوه الصفا* پیوند دارد که بازتاب دهنده هویت اشخاص و ساختار فرهنگی اجتماعی موجود در *صفوه الصفا* است. پیوند این نشانه‌ها با شرایط اجتماعی و فرهنگی زمانه مد نظر کتاب، بستری از آگاهی‌های اجتماعی مربوط به اشخاص، حرفه‌های افراد و شیوه معاشرت و هم‌زیستی اجتماعی توده مردم را برای مخاطب متن فراهم می‌کند. برخلاف تحقیقات پیشین درباره *صفوه الصفا*، نتایج این پژوهش، با نگاهی جامعه‌شناسانه، ضمن ارائه تصویری دقیق از بطن جامعه ایران در قرن هشتم در حوزه جغرافیایی آذربایجان، شخصیت شیخ صفی و مریدان او را در سطح معاملات اجتماعی بررسی و تحلیل می‌کند.

منابع

- ابن بزاز اردبیلی، درویش توکلی (۱۳۷۳). *صفوه الصفا*، تصحیح غلامرضا طباطبایی مجد، تهران: مصحح
- ابن بطوطه، ابو عبدالله محمد بن عبدالله طنجه‌ای (۱۳۷۶). *سفرنامه ابن بطوطه*، جلد اول، ترجمه محمد علی موحد، تهران: آگاه
- احمدی، بابک (۱۳۸۳). *از نشانه‌های تصویری تا متن*، تهران: نشر مرکز
- اسکولز، رابرت (۱۳۸۳). *درآمدی بر ساختارگرایی در ادبیات*، ترجمه فرزانه طاهری، چاپ دوم، تهران: آگاه
- ایگلتون، تری (۱۳۸۰). *درآمدی بر نظریه ادبی*، ترجمه عباس مخبر، چاپ دوم، تهران: مرکز
- بارت، رولان (۱۳۸۳). *نشانه‌شناسی ادبی*، ترجمه ناصر فکوهی، تهران: فرهنگ
- براون، ادوارد (۱۳۴۵). *تاریخ ادبیات ایران*، جلد چهارم، ترجمه رشید یاسمی، تهران: ابن سینا
- براهنی، رضا (۱۳۶۲). *قصه نویسی*، تهران: نشر نو
- بخاری قمی، حسن (۱۳۹۳). «ظهور عرفان اجتماعی با نهضت شیخ صفی‌الدین اردبیلی» در *مجموعه مقالات نخستین همایش بین‌المللی شیخ صفی‌الدین اردبیلی*، لندن: آکادمی مطالعات ایرانی لندن، صص ۵۵-۵۷
- چندلر، دنیل (۱۳۸۷). *مبانی نشانه‌شناسی*، ترجمه مهدی پارسا، چاپ دوم، تهران: سوره مهر
- ریچموند، ویرجینا پی و مک کروسکی، جیمز.سی. (۱۳۸۸). *رفتارهای غیرکلامی در روابط میان فردی*، ترجمه فاطمه سادات موسوی و ژیلا عبدالله پور، تهران: دانژه
- ساسانی، فرهاد (۱۳۸۹). *معنا کاوی: به سوی نشانه‌شناسی اجتماعی*، تهران: علم
- سوسور، فردینان دو (۱۳۷۸). *دوره زبان‌شناسی عمومی*، ترجمه کوروش صفوی، تهران: هرمس
- شفرز، برنارد (۱۳۸۴). *مبانی جامعه‌شناسی جوانان*، ترجمه کرامت‌الله راسخ، تهران: نی
- شوالیه، ژان و آلن گربان (۱۳۸۵). *فرهنگ نمادها*، جلد سوم، ترجمه سودابه فضایی، چاپ پنجم، تهران: جیحون
- ضیمران، محمد (۱۳۸۲). *درآمدی بر نشانه‌شناسی هنر*، تهران: قصه
- عظیمی فرد، فاطمه (۱۳۹۲). *فرهنگ توصیفی نشانه‌شناسی*، تهران: نشر علمی
- فالور، راجر (۱۳۹۰). *زبان‌شناسی و نقد ادبی*، ترجمه مریم خوزان، تهران: نشر نی
- کرس، گونترآر (۱۳۹۲). *نشانه‌شناسی اجتماعی از نظریه تا کاربرد*، ترجمه سجاد کبگانی و رحمان صحراگرد، تهران: مارلیک
- گیرو، پی‌یر (۱۳۹۹). *نشانه‌شناسی*، ترجمه محمد نبوی، ویراست دوم، تهران: آگه
- لیوون، تئون (۱۳۹۵). *آشنایی با نشانه‌شناسی اجتماعی*، ترجمه محسن نوبخت، تهران: علمی
- مایل هروی، نجیب (۱۳۷۶). «میزان تغییر و تبدیل صفوه الصفا»، *گلچرخ*، شماره هفدهم، صص: ۳۲-۳۵
- متین، پیمان (۱۳۸۳). «پوشاک و هویت قومی و ملی»، *مطالعات ملی*، دوره پنجم، شماره سوم، صص: ۳۷-۴۵
- مکاریک، ایرنا ریما (۱۳۸۴). *دانشنامه نظریه‌های ادبی معاصر*، ترجمه مهران مهاجر و محمد نبوی، تهران: آگه
- موحد، صمد (۱۳۹۱). «صفوه الصفا» در *دانشنامه زبان و ادب فارسی جلد چهارم*، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی، صص ۴۲۱-۴۱۹
- هلیدی، مایکل؛ حسن، رقیه (۱۳۹۵). *زبان، بافت و متن (جنبه‌هایی از زبان در چشم اندازی اجتماعی نشانه‌شناختی)*، ترجمه مجتبی منشی زاده و طاهره ایشانی، چاپ دوم، تهران: علمی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی